

سؤالات چهار گزینه ای تفسیر

- ۱- الف و لام «الحمد لله» از چه نوع است و مفید چه معنایی است؟
 الف) جنس - عمومیت ● (ب) جنس - اختصاص ○ (ج) زینت - عمومیت ○ (د) زینت - اختصاص ○
- ۲- با توجه به آیه «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْ رُءُوسُهُمْ فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» چه کسانی در کتاب آسمانی شان تغییراتی ایجاد نمودند و این تغییرات شامل چه موضوعی بود؟
 الف) یهودیان - حرمت ربا ○ (ب) مسیحیان - حرمت ربا ○
 ج) یهودیان - اوصاف پیامبر (ص) ● (د) مسیحیان - اوصاف پیامبر (ص) ○
- ۳- انحصاری که از آیه «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنِزِيرِ وَمَا أُهْلٍ بِهِ لَغَيْرِ اللَّهِ...» با کلمه «إِنَّمَا» استفاده می‌شود در اصطلاح چه نوع حصری است؟
 الف) حصر بیانی ○ (ب) حصر اضافی ● (ج) حصر تبعیضی ○ (د) حصر تعیینی ○
- ۴- از تعبیر «مَمَّا» در عبارت «يَتَأَيَّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ...» چه استفاده‌ای می‌شود؟
 الف) عمومیت آیه را نسبت به انفاق‌های واجب و ضروری نشان می‌دهد. ○
 ب) انفاق گرچه مفهوم گسترده‌ای دارد اما در دین ما فقط شامل انفاق‌های مستحب است. ○
 ج) مؤمنین کسانی هستند که آنچه به آن‌ها (مادی و معنوی) اعطا شده را انفاق می‌نمایند. ○
 د) انفاق واجب همیشه بخشی از مال را در برمی‌گیرد نه همه آن را. ●
- ۵- در عبارت «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَاذْنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ...» فعل «فاذنوا» از ماده «اذن» با «ب» متعدی شده است که مفهوم آن عبارت است از:
 الف) اجازه دادن ○ (ب) علم و آگاهی ● (ج) دستور مؤکد ○ (د) دستور ارشادی ○
- ۶- آیه «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ» در مورد کدام واقعه است؟
 الف) جنگ بدر ○ (ب) جنگ خندق ○ (ج) غزوه تبوک ○ (د) غزوه حمراء الاسد ●
- ۷- در آیه «يَتَأَيَّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» «صابروا» به معنی صبر و استقامت در برابر چیست؟
 الف) صبر و استقامت در برابر دیگران ● (ب) در برابر گناهان ○ (ج) حوادث تلخ ○ (د) دستورات الهی ○
- ۸- از معنای لغوی و اصلی واژه «نحله» در عبارت «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» کدام نکته دریافت می‌شود؟
 الف) مهریه را به همسران تان هدیه بدهید. ○ (ب) پرداخت مهریه همچون دین و بدهی عندالمطالبه است. ○
 ج) مهریه همسران تان را کامل بدهید. ● (د) مهریه باید عندالاستطاعه پرداخت شود. ○

۹- با توجه به عبارت «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَفْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا حَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٌ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا» فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوِّكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٌ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فِدْيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» در خصوص احکام قتل خطا، اگر مقتول مؤمن باشد، آیا می‌توان دیه چنین مقتول مسلمانی را به ورثه کافر داد؟

- (الف) از آنجا که کافر از مسلمان هیچگاه ارث نمی‌برد، دیه مقتول را فقط باید به ورثه مسلمان او بدهند. ○
 (ب) از آنجا که کافر از مسلمان هیچگاه ارث نمی‌برد، اگر در بین ورثه مسلمانی نبود دیه را باید از طرف مقتول صدقه بدهند. ○
 (ج) باید دیه مزبور را به ورثه مقتول داد هر چند کافر هستند و این بخاطر پیمانی است که با مسلمانان دارند. ●
 (د) باید دیه مزبور را تنها به ورثه مسلمان مقتول داد هر چند آن‌ها در بلاد و میان کافرانی باشند که با مسلمانان پیمان دارند. ○
- ۱۰- در قرآن کریم دو آیه در رابطه با ارث برادران و خواهران نازل شده است. اما این دو آیه در بیان مقدار ارث آن‌ها با هم تفاوت دارند، علت چیست؟

- (الف) یک آیه تنها ناظر به برادران و خواهران مادری است و آیه دیگر تنها ناظر به برادران و خواهران پدری است. ○
 (ب) یک آیه تنها ناظر به برادران و خواهران پدری است و آیه دیگر ناظر به برادران و خواهران پدر و مادری است. ○
 (ج) تعداد وارث و تعداد برادران و خواهران در ۲ آیه مورد بحث بایکدیگر متفاوت بوده و تعدد وراثت باعث تفاوت میزان ارث است. ○
 (د) یک آیه ناظر به برادران و خواهران مادری و آیه دیگر درباره خواهران و برادران پدر و مادری یا پدری تنهاست. ●

۱۱- با توجه به عبارت «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» کدام مورد درباره فترت صحیح است؟

- (الف) فترت در اصل به معنی سستی و خستگی است و به فاصله میان دو جنبش و کوشش است. ○
 (ب) فترت میان دوران مسیح و بعثت پیامبر اعظم (ص) است و در آن دوران هیچ پیامبری مبعوث نشده است. ○
 (ج) فترت میان دوران مسیح و بعثت پیامبر اعظم (ص) است و در آن دوران سه الی چهار نفر از رسولان آمده‌اند. ●
 (د) فترت میان دوران مسیح و بعثت پیامبر اعظم (ص) است و در آن دوران تنها اوصیاء رسولان بوده‌اند. ○

۱۲- در آیه «كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِن بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَاذِبُونَ» عده‌ای از مؤمنان از چه چیزی کراهت داشتند؟

- (الف) چگونگی تقسیم غنائم بدر ○
 (ب) حرکت به سوی میدان بدر ●
 (ج) احتمال بازگشت از میان بدر بدون دریافت غنیمت ○
 (د) اختلافاتی که احتمال شکست را افزایش می‌داد. ○

۱۳- با توجه به عبارت «فَأَسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَأَسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ» منظور از «خلاق» در این عبارت چیست؟

- (الف) نصیب و بهره در دنیا و آخرت ○
 (ب) نصیب و بهره در دنیا ●
 (ج) آبادانی و ساختن شهرها ○
 (د) انحطاط اخلاقی و روحی ○

۱۴- عبارت «يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَنِتْلُوا الَّذِينَ يُلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلَيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً...» در رابطه با جهاد چه

دستوراتی می‌دهد؟

- الف) نخست با کفاری که به شما نزدیک ترند پیکار کنید - نمایش قدرت در برابر دشمن ●
- ب) نخست با کفاری که برای شما تهدید محسوب می‌شوند پیکار کنید - شدت عمل در برابر دشمن ○
- ج) نخست با کفاری که به دنبال جنگ با شمایند پیکار کنید - نمایش قدرت در برابر دشمن ○
- د) نخست با کفاری که پیمان شما را نقض کردند بجنگید - شدت عمل در برابر دشمن ○

۱۵- «الَّذِينَ» در عبارت «...وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا...» چه کسانی هستند؟

- الف) همه قوم نوح(ع) اعم از کافران و مؤمنان ○
- ب) کسانی که به نوح(ع) ایمان آوردند. ●
- ج) همه قوم نوح بجز کسانی که به او ایمان آوردند. ○
- د) پیامبران و انبیاء پیش از نوح(ع) ○

۱۶- در آیه «وَمَا تُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُّعَدُّودٍ» تعبیر به «معدود» در عبارت «اجل معدود» اشاره به چیست؟

- الف) دقت در حساب اعمال در قیامت ○
- ب) نزدیک بودن روز رستاخیر ●
- ج) حضور یافتن همه انسان‌ها در عرصه محشر ○
- د) برپایی میزان و ترازو در قیامت ○

۱۷- نظر صحیح در رابطه با معنای «رب» در عبارت‌های «وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ» «فَأَنْسَدَهُ

الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ» کدام است؟

- الف) اولی خداوند - دومی پادشاه مصر ○
- ب) اولی پادشاه مصر - دومی خداوند ○
- ج) ربّ در هر دو عبارت از یک ریشه لغوی یکسان نیستند. ○
- د) ربّ در هر دو عبارت یک مفهوم دارد. ●

۱۸- با توجه به عبارت «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَآذًا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» چرا گروه بی‌ایمان همیشه کلمه «اساطیر» را

با «اولین» توصیف می‌کردند؟

- الف) تا ثابت کنند آن‌ها افسانه‌هایی بیش نیستند. ○
- ب) تا ثابت نمایند همانند گذشتگان به آن‌ها ایمان نمی‌آورند. ○
- ج) تا ثابت کنند آن‌ها تازگی ندارند. ●
- د) تا به بی‌اهمیت بودن آن‌ها نزد خود تأکید نمایند. ○

۱۹- در عبارت «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ» منظور از «آیه اللیل» و «آیه النهار» چیست؟

- الف) منظور خود شب و روز است. ●
- ب) منظور از «آیه اللیل» قرص ماه و «آیه النهار» قرص خورشید است. ○
- ج) منظور از «آیه اللیل» ستاره‌های شب و «آیه النهار» خورشید که خود یک ستاره است. ○
- د) منظور از «آیه اللیل» خود شب ولی منظور از «آیه النهار» قرص خورشید است. ○

۲۰- با توجه به عبارت «... وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» واژه «قتور» به کدام صفت اشاره دارد؟

- الف) شدت فقر ○
- ب) شدت امساک و تنگ‌نظری ●
- ج) شدت حسادت ○
- د) در مورد انسانی است که امیدی به خیر او نیست. ○

۲۱- با توجه به معنی زکات در آیه «وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ» کدام جمله صحیح نیست؟

- الف) آنچه در مدینه نازل شد زکات واجب بود ولی زکات مستحب قبلاً نیز بوده است. ○
- ب) زکات به صورت یک حکم وجوبی اما بدون حد و حدود در مکه بوده است. ○
- ج) در مکه مسلمانان موظف بودند مقداری از اموال خود را به نیازمندان بپردازند ولی در مدینه برای زکات نصاب تعیین شد. ○
- د) زکات در اینجا به معنی هرگونه کار نیک و یا تزکیه و پاکسازی روح و جان است، گرچه در کنار نماز ذکر نشده است. ●

۲۲- آیه «مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَلَمًا تَهْجُرُونَ» به کدام موضوع اشاره دارد؟

- الف) مشرکان عرب جلسات شب‌نشینی تشکیل می‌دادند و از پیامبر(ص)، قرآن و مؤمنان بدگویی می‌نمودند. ●
- ب) مشرکان عرب همچون سامری با حالت استکبار سعی در گمراه کردن مردم از اسلام را داشتند. ○
- ج) مشرکان عرب همچون سامری استکبار می‌ورزیدند و همچون کسانی که عقل آن‌ها زایل شده است رفتار می‌کردند. ○
- د) مشرکان در مقابل قرآن استکبار می‌ورزیدند و با اهل کتاب ساکن مکه جلساتی خصوصی و محرمانه داشتند. ○

۲۳- آیه «وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» در چه موردی نازل شده است؟

- الف) درباره ولیدین‌مغیره که از دانایان عرب در مکه بود. ○
- ب) درباره گروهی از مؤمنان که نگران هجرت به مدینه بودند. ●
- ج) درباره گروهی از مؤمنان که نگران هجرت به حبشه بودند. ○
- د) در مورد مشرکان مکه که از اطعام فقرا جلوگیری می‌نمودند. ○

۲۴- در عبارت «وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ» "وجه" کنایه از چیست و چرا؟

- الف) راه خدا - چون راه خدا همواره پیش روی انسان قرار دارد. ○
- ب) ذات خدا - چون حرکت و سیر در مسیر راه خدا انسان را به قرب ذات او می‌رساند. ○
- ج) ذات خدا - چون صورت شریف‌ترین عضو بدن و مرکز مهم‌ترین حواس انسانی است. ●
- د) راه خدا - چون حرکت و سیر در مسیر راه خدا انسان را به قرب ذات او می‌رساند. ○

۲۵- در آیه «هَذَا لِكِ ابْتِلَايَ الْمُؤْمِنِينَ وَزُلْزَلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا» منظور از «ابتلاء» و «زلزال» به ترتیب کدام است؟

- الف) جنگ احزاب - وحشت و اضطراب شدید ●
- ب) جنگ احد - اختلاف و تفرقه بسیار ○
- ج) جنگ احزاب - اختلاف و تفرقه بسیار ○
- د) جنگ احد - وحشت و اضطراب شدید ○

۲۶- در آیه «وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ» کدام گزینه در رابطه با عبارت

«فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ» درست نیست؟

- الف) ممکن است به معنی پیشی گرفتن از یکدیگر در پیدا کردن راهی که معمولاً از آن می‌رفتند بوده باشد. ○
- ب) ممکن است در خصوص یکی از عذاب‌های آخرت باشد که دچار سردرگمی و حیران می‌شوند. ●
- ج) ممکن است به معنی «جاوزه و ترکوه حتی ضلوا» باشد. ○
- د) طبق پذیرش اکثر مفسران مربوط به عذاب‌های دنیاست. ○

۲۷- مفهوم «بطش» در آیه «يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطِشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ» کدام است؟

- الف) گرفتن برای حسابرسی دقیق اعمال ○
- ب) گرفتن برای مجازات شدید ●
- ج) وحشت از عذاب شدید و سنگین ○
- د) وحشت از رسوایی بزرگ و خوارکننده ○

۲۸- عبارت «وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَّهُ فِي

قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» اشاره به کدام قانون دارد؟

- الف) هدایت فطری ○ ب) لطف ولوی ○ ج) هدایت ارشادی ○ د) لطف تکوینی ●

۲۹- در آیه «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» منظور از «مَنْ عَلَيْهَا» کدام است؟

- الف) انسان‌ها ○ ب) انس و جن ● ج) انسان‌ها و همه حیوانات ○ د) تمام موجودات زنده زمین ○

۳۰- به عقیده جمعی از مفسران، در آیه «وَوَطَّلِحُ مَنُضُودٍ» منظور کدام درخت است؟

- الف) درخت خرما ○ ب) درخت موز ● ج) درخت سیب ○ د) درخت انبه ○

۳۱- با توجه به حدیث حضرت امیرالمؤمنین (ع) در عبارت «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ» تعبیر به «انزال»

اشاره به چیست؟

- الف) خلقت آن ● ب) دادن آن از مقام بالاتر به مقام پایین‌تر ○
ج) آمدن از کرات دیگر ○ د) گرانبها بودن آن ○

۳۲- آیه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» نظر به چه کسانی دارد؟

- الف) همه انسان‌ها ○ ب) منافقان مدینه و اعراب ○
ج) منافقان و یهود بنی‌نضیر ● د) یهود (بنی‌نضیر و ساکنان خیبر) ○

۳۳- با توجه به آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» کدام گزینه

صحیح است؟

- الف) مرحله نهایی پیشروی اسلام با ظهور حضرت مهدی (ارواح‌نفاذ) تحقق می‌یابد. ●
ب) مرحله مقدماتی پیشروی اسلام بعد از فتح ایران و روم برای مسلمانان رخ داد. ○
ج) این آیه اشاره دارد به پیشرفت‌های علمی مسلمانان که با آن بر همه ادیان برتری یافتند. ○
د) همه گزینه‌ها صحیح است. ○

۳۴- در عبارت «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ...» مناسبت‌ترین تفسیر در رابطه با معنای «امی» کدام است؟

- الف) اهل مکه منسوب به «ام القری» ○ ب) درس نخوانده منسوب به «ام» ●
ج) «امت عرب» در مقابل یهود و دیگران ○ د) گزینه الف و ج ○

۳۵- در مقایسه آیه «يَوْمَ تَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (تغابن / ۹) و آیه بعد آن یعنی «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبئْسَ الْمَصِيرُ» (تغابن / ۱۰) در آیه دوم بعد از کلمه «خالدین» کلمه "ابدأ" به چه علت حذف شده است؟

الف) چون ممکن است در میان دوزخیان کافرانی باشند که مسأله ایمان و کفر را بهم آمیخته‌اند و به خاطر ایمان‌شان سرانجام از عذاب رهایی یابند. ○

ب) این موضوع اشاره به غلبه رحمت خداوند متعال بر غضب اوست. ○

ج) "ابدأ" در جمله دوم حذف شده به خاطر این که در جمله اول آمده است. ○

د) همه موارد صحیح است. ●

۳۶- در آیه «ثُمَّ أَرْجِعَ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبُ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ» اگر مطابق نظر عده‌ای از مفسران بین معنای

«خاسی» و «حسیر» تفاوت قائل باشیم، مفهوم آن‌ها به ترتیب چه خواهد بود؟

الف) غیر دقیق - ناتوان ○ ب) ناکام - ناتوان ● ج) ناتوان - ناکام ○ د) ناتوان - خسته ○

۳۷- در آیه «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْ كَفُورًا» کدام گزینه در رابطه با «آثم» و «کفور» صحیح است؟

الف) ذکر «کفور» بعد از «آثم» از قبیل ذکر خاص بعد از عام است. ○

ب) ذکر «کفور» بعد از «آثم» از قبیل ذکر مقید بعد از مطلق است. ○

ج) ذکر «کفور» بعد از «آثم» برای تأکید است. ○

د) گزینه الف و ج صحیح است. ●

۳۸- با آیه «وَوُجُوهُ يُومِئِدُ بِأَسْرَةٍ» کدام گزینه درباره «باسره» صحیح است؟

الف) باسره از ماده «بسره» به معنی چیز نارس و کار قبل از موعد است. ●

ب) باسره از ماده «بسره» به معنی چیز ناقص و کار ناتمام است. ○

ج) باسره از اشتقاق کبیر باسره است و به معنی تیزی بینی می‌باشد. ○

د) باسره از اشتقاق ضمیر باسره به معنی استراحت کامل است. ○

۳۹- در عبارت «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» تعبیر «شانی» بیانگر کدام است؟

الف) دشمنان اسلام همگی از سران قریش بودند. ○ ب) عداوت دشمنان اسلام آمیخته با قساوت و رذالت بود. ●

ج) در میان دشمنان اسلام مردم عادی هم بودند. ○ د) دشمنان اسلام با پیامبر(ص) عداوت قبلی داشتند. ○

۴۰- در آیه «الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى» تعبیر به «یتزکی» اشاره به چیست؟

الف) رشد معنوی و عقلی ○ ب) پاکی مال و حلالیت آن ○

ج) پاکی ظاهر بدن و لباس‌ها ○ د) قصد قربت و نیت خالص ●

سوالات چهارگزینه ای علوم قرآن

- ۴۱- اُبی بن کعب و عبدالله بن عباس، به ترتیب در کدام طبقه از قراء قرار دارند؟
الف) اول- اول (ب) اول- دوم (ج) دوم- اول (د) دوم- دوم
- ۴۲- از روایت امام صادق(ع) که فرمودند: «ما قرآن را طبق قرائت اُبی می خوانیم» کدام مطلب برداشت می شود؟
الف) قرائت های سبعة همه حجیت دارند. (ب) هر قرائتی از هریک از اصحاب رسیده باشد صحیح است.
ج) قرائت صحیح، همان قرائت عامه مسلمانان است. (د) نباید به اختلاف قرائت صحابه اعتنایی کرد.
- ۴۳- آیات قرآن کریم بر حسب موضوع سخن، اجمالاً به چه بخش هایی تقسیم می شود؟
الف) احکام و تکالیف، امثال و حکم، سخن از سرای غیب، معارف و اصول شناخت
ب) احکام و تکالیف، قصه انبیاء(ع)، سخن از قیامت
ج) احکام و تکالیف، قصه اقوام گذشته، معارف و اصول شناخت
د) احکام و تکالیف، امثال و حکم، سرگذشت اقوام گذشته، سخن از سرای آخرت
- ۴۴- دلالت لفظ هرگاه بر معنا صریح باشد، چه نامیده می شود؟
الف) منطوق (ب) مفهوم (ج) دلالت التزامی (د) دلالت تضمنی
- ۴۵- در تعریف اصطلاحی کدام مورد گفته شده است: «ما لاینبی ظاهره عن مراده»؛ آنچه ظاهر آن، مراد واقعی اش را ارائه ندهد؟
الف) کنایه (ب) محکم (ج) متشابه (د) استعاره
- ۴۶- ابوالحسن اشعری در توجیه رأی خود در خصوص اراده و اختیار و در مقابل اعتراضاتی که به وی شده بود، کدام فرضیه را مطرح کرده است؟
الف) فرضیه افعال اختیاری (ب) فرضیه اضلال یا خذلان (ج) فرضیه ختم و طبع (د) فرضیه کسب
- ۴۷- کدام موضوع را اصطلاحاً «تأخیر بیان تا وقت حاجت گویند» که از نظر اصولیون نیز خالی از اشکال است؟
الف) اقتضای دوام (ب) نسخ در تشریعات وضعی (ج) نسخ ظاهری (د) بداء
- ۴۸- روشن ترین شاهد برای تأیید نظریه «نسخ مشروط» کدام مورد است؟
الف) آیات جهاد (ب) آیه نجوی (ج) آیات نکاح متعه (د) آیات صفح
- ۴۹- کدام مورد جزء مراحل تحدی قرآن کریم نیست؟
الف) بطور مطلق سخنی همانند قرآن بیاورند. (ب) ده سوره هرچند کوچک همانند سوره قرآن بیاورند
ج) یک آیه همچون آیات قرآن کریم بیاورند. (د) یک سوره همچون سوره های قرآن بیاورند.
- ۵۰- در قرآن کریم، گاه با تکرار «واو» چند سوگند یاد می شود. در این صورت «واو» در سوگند نخست و در بقیه است.
الف) حرف ابتداء- حرف قسم (ب) حرف قسم- حرف جرّ
ج) حرف قسم- حرف قسم (د) حرف قسم- واو عطف

سؤالات تشریحی علوم قرآن

۱- پایه‌های عوامل اختلاف قرائت کدامند؟ (ص ۱۲)

- اختلاف مصاحف اولیه چه پیش از اقدام به یکسان کردن مصاحف در زمان عثمان و چه پس از آن؛
- نارسایی خط و نوشته‌های قرآن که از هرگونه علایم مشخصه و حتی از نقطه عاری بوده است؛
- ابتدایی بودن خط نزد عرب آن روز.

۲- منظور از حجیت ظواهر قرآن کدام است؟ یکی از ادله مخالفین و جواب موافقین حجیت ظواهر را بیان فرمایید؟

(ص ۸۵)

مقصود از «ظواهر کتاب» دلالت ظاهری الفاظ و عبارات بکار رفته در قرآن کریم است که آیا بر مفاهیم خود- طبق وضع لغوی یا قرائن وابسته - دلالت دارند یا نه؟ اگر دلالت داشتند قطعاً حجت است.

- یکی از ادله مخالفین حجیت ظواهر قرآن این است که: الفاظ و عبارات قرآن چون سخنان خداست نبایستی همگون با الفاظ و عبارات مردم باشد.
- موافقین حجت ظواهر در جواب می‌گویند: در جایی که خداوند با مردم سخن می‌گوید سخنش از نظر دلالت ظاهری با دیگر سخنان فرقی ندارد و با همان ابزار و وسائلی (قواعد محاوره) که دیگران سخن می‌گویند و سخنان‌شان قابل فهم است باید سخن خدا نیز قابل فهم باشد، بویژه با توجه به این که خداوند - مستقیماً - در قرآن با مردم سخن گفته است، پس بایستی برایشان قابل فهم هم باشد.

۳- معانی احکام در قرآن را بنویسید و بیان نمایید کدام معنای احکام در مقابل آیات متشابه بکار رفته است؟ (ص ۱۴۲)

- استوار بودن گفتار یا کرداری که راه خلل و شبهه در آن بسته باشد. در مقابل آن، متشابه قرار دارد، گفتاری نارسا یا کرداری شبهه‌انگیز.
- پایدار و ثابت بودن، در مقابل ناپایدار. احکام ثابت را در شریعت محکم گویند، در مقابل احکام منسوخ. چنانچه در باب ناسخ و منسوخ اصطلاح (احکام) بکار می‌رود و بر آیات غیر منسوخ «محکم» گفته می‌شود.
- ایتقان و دقت در عمل یا گفتار را که بر اساسی متین و مستحکم استوار بوده باشد محکم یا مستحکم گویند. این معنا تمامی آیات قرآن را در برمی‌گیرد، چنانچه در سوره هود آمده: «كَتَبْنَا أَحْكَامَ آيَاتِهِ ثُمَّ فَضَّلْنَا مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَيْرٍ» (هود/۱)

(این کتابی است که آیاتش استحکام یافته، سپس تشریح شده و از نزد خداوند حکیم و آگاه [نازل شده] است.)

احکام به معنی نخست صرفاً در مقابل آیات متشابه بکار رفته است.

۴- انواخ نسخ در قرآن را بنویسید و هر کدام را به اختصار شرح فرمایید. (ص ۱۸۸)

نسخ در آیات قرآنی را به چند گونه تصور کرده‌اند که برخی مورد قبول و برخی مردود است:

۱. نسخ آیه و محتوا با هم یعنی هم الفاظ آیه از قرآن برداشته شود و هم حکمی که در آن بیان شده است.
۲. نسخه آیه به تنهایی، یعنی الفاظ و عبارات آیه از قرآن برداشته شود، ولی حکم بیان شده در آن آیه باقی بماند.
۳. نسخ محتوا به تنهایی، یعنی الفاظ و عبارات آیه همچنان در قرآن ثابت بماند و تلاوت شود، ولی حکم بیان شده در آن آیه منسوخ گردد.
۴. نسخ مشروط، یعنی حکمی در شرایطی با نزول آیه‌ای نسخ می‌شود، ولی آیه نخست در قرآن باقی می‌ماند و با برگشتن شرایط تشریح نخستین، حکم منسوخ دوباره به اجرا درمی‌آید. در نتیجه دو حکم منسوخ و ناسخ، هریک به شرایط خود بستگی دارند.

۵- شرح دهید که قول به صرفه را به چند گونه می‌توان تفسیر نمود؟ (ص ۲۲۰)

- قول به صرفه را می‌توان به سه گونه تفسیر نمود - چنانکه امیر یحیی بن حمزه علوی زیدی (م ۷۴۹) بیان داشته است.
- اولاً مقصود از صرفه آن است که خداوند انگیزه کسانی را که در صدد مقابله برمی‌آیند سلب می‌کند. یعنی آن انگیزه و داعیه‌ای که آنان را برای مقابله با قرآن واداشته هنگام عمل فروکش می‌کند و حالت سردی و بی‌تفاوتی به آنان دست می‌دهد.
 - ثانیاً خداوند امکاناتی را (علوم و معارف و ادبیات لازم) که برای مقابله با قرآن نیاز است از آنان سلب می‌کند زیرا این امکانات در اختیار بشر نیست تا بتواند با قرآن مقابله کند و معنای صرف در آیه فوق‌الذکر همین است. خداوند جایی برای شبهه و تباه ساختن آیات خود باقی نگذاشته، آیه: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ» (یونس / ۳۹)؛ [ولی آن‌ها از روی علم و دانش قرآن را انکار نکردند] بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند. نیز به همین حقیقت اشاره دارد. همچنین آیه «ثُمَّ أَنْصَرَفُوا^۱ صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (توبه / ۱۲۷)؛ از آیات الهی رویگردان شدند. خداوند دل‌های آنان را [از پذیرش حق] برگرداند، زیرا آنان گروهی بودند که توانایی درک و فهم حقیقت را نداشتند. در این آیه، صرف قلوب را معلول عدم شایستگی درک حقایق گرفته است که خود موجب گردیده‌اند.
 - ثالثاً آنکه جبراً و قهراً آنان را بازدارد، با آنکه توانایی لازم را دارند، ولی در موقع مقابله حالت سستی و رخوت به آنان دست دهد و بدین سبب از معارضه با قرآن فرو نشیند.

سوالات تشریحی تفسیر

۱- توضیح دهید در عبارت «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي - أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا..» منظور از «فَمَا فَوْقَهَا» چه مواردی بیان شده است؟ کدام نظر صحیح است؟

در اینکه منظور از "فَمَا فَوْقَهَا" (پشه یا بالاتر از آن) چیست؟ مفسران دو گونه تفسیر کرده‌اند: گروهی گفته‌اند منظور "بالاتر از آن در کوچکی" است، زیرا مقام، مقام بیان کوچکی مثال است، و برتری نیز از این نظر می‌باشد، این درست به آن میماند که گاه به کسی بگوئیم تو چرا برای یک تومان اینهمه زحمت می‌کشید، شرم نمی‌کنی او می‌گوید شرمی ندارد من برای بالاتر از آن هم زحمت می‌کشی، حتی برای یک ریال! بعضی دیگر گفته‌اند: مراد "بالاتر از نظر بزرگی" است، یعنی خداوند هم مثالهای کوچک را مطرح می‌کند و هم مثالهای بزرگ را، درست مطابق مقتضای حال. ولی تفسیر اول مناسبتر به نظر می‌رسد.

۲- با توجه به عبارت «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ...» در رابطه با معنای

اصلی، کاربرد قرآنی و معنای واژه «إِثْمٌ» در عبارت فوق را توضیح دهید.

"إِثْمٌ" به گفته معجم مقاییس اللغة در اصل، به معنی کندی و عقب افتادن است، و از آنجا که گناهان، انسان را از رسیدن به خیرات، عقب می‌اندازد این واژه بر آن اطلاق شده است، بلکه در بعضی از موارد از آیات قرآن غیر این معنی (کندی و تاخر) مناسب نیست، مانند: وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ^۱ و هنگامی که به او گفته شود، تقوا پیشه کن، غرور، و مقامات موهوم او را از وصول به تقوا، کند می‌سازد". به هر حال، اِثْمٌ به هر کار و هر چیزی گفته می‌شود که حالتی در روح و عقل به وجود می‌آورد، و انسان را از رسیدن به نیکیها و کمالات باز می‌دارد، بنا بر این وجود "اِثْمٌ کَبِيرٌ" در شراب و قمار، دلیل بر تاثیر منفی این دو در رسیدن به تقوا و کمالات معنوی و انسانی است.

۳- با توجه به آیه «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ

بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ^۲ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ» نظرات دانشمندان درباره

چگونگی پاداش و کیفر الهی را بنویسید؟

دانشمندان در باره پاداش و کیفر اعمال، عقاید گوناگونی دارند:

۱- دسته‌ای از آنها معتقدند که جزاء اعمال، مانند پاداش و کیفرهای این جهان، روی قرارداد است یعنی چنان که در این جهان برای هر کار بدی کیفری از طرف قانونگذاران تعیین شده است، خداوند بزرگ برای هر عملی، کیفر و یا پاداش خاصی معین نموده است، این نظریه همان نظریه اجر و مزد، و کیفرهای مقرراتی است.

۲- دسته دیگری معتقدند که تمام کیفرها و پاداشها، مخلوق نفس و روح انسانی است که روح انسانی بی اختیار در آن جهان آنها را خلق می‌کند، به این بیان که: اعمال نیک و بد در این جهان در روح انسانی، ملکاتی خوب و بد، ایجاد می‌نماید و این ملکات،

خمیره انسان و جزء ذات او می گردند، و هر یک از این ملکات، صورتی مناسب خویش، از نعمت و عذاب ایجاد می کند، اشخاص خوش باطن در این جهان با یک سلسله از افکار و تصورات نیک سر و کار دارند، و افراد ناپاک در خواب و بیداری با افکار باطل و تصورات بد خویش مشغول اند. این ملکات در روز رستاخیز، خلاق نعمتها و شکنجه ها و دردها و آرامش و عذاب اند، و به عبارت دیگر آنچه در باره نعمتهای بهشت و مجازاتهایی دوزخ می خوانیم، همان مخلوقات صفات خوب و بد انسان است، نه چیز دیگر.

۳- دسته دیگری از دانشمندان بزرگ اسلام، راه دیگری را انتخاب نموده و شواهد زیادی از آیات و روایات را برای آن آورده اند و خلاصه آن این است: هر کرداری از ما، خواه خوب و خواه بد، یک صورت دنیوی دارد، که ما آن را مشاهده می نماییم و یک صورت اخروی، که هم اکنون در دل آن عمل نهفته است و روز رستاخیز پس از تحولاتی که در آن رخ می دهد، شکل دنیوی خود را از دست داده و با شکل روز رستاخیز جلوه می کند و باعث آرامش و راحتی عمل کننده یا آزار او می گردد.

*** از میان نظرات فوق، نظر اخیر با ظواهر بسیاری از آیات قرآن کاملا تطبیق می کند، بنا بر این، اعمال انسان که اشکال مختلفی از انرژیها هستند، طبق قانون بقاء " ماده و انرژی " هیچگاه از میان نمی روند و همواره در این جهان باقی خواهند بود، گرچه ما با مطالعه سطحی چنین می پنداریم که از میان رفته اند. بقای این اعمال و ابدیت آنها از یک سو سبب می شود که در رستاخیز، به هنگام محاسبه اعمال، هر کسی تمامی اعمال خود را ببیند و جایی برای انکار باقی نماند و از سوی دیگر سبب می شود که در میان اعمال خود، در رستاخیز زندگی کند، رنج ببرد و یا آرامش بیابد، گرچه وسایل انسانی هنوز قادر نیست که حوادث گذشته را جز آنچه مربوط به چند لحظه قبل است کشف کند. ولی مسلم است اگر دستگاهی کامل تر به وجود آید و یا " دید " و " درکی " کامل تر داشته باشیم می توانیم همه آنچه را که در گذشته روی داده است، احساس و درک کنیم (البته مانعی ندارد که قسمتی از پاداش و کیفرها هم جنبه قرار دادی داشته باشد).

۴- منظور از عبارت « وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ » چیست؟ توضیح بفرمایید.

گرچه کلمه " الامر " در " شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ " مفهوم وسیعی دارد و همه کارها را شامل می شود ولی مسلم است که پیامبر ص هرگز در احکام الهی با مردم مشورت نمی کرد بلکه در آنها صرفا تابع وحی بود. بنا بر این مورد مشورت، تنها طرز اجرای دستورات و نحوه پیاده کردن احکام الهی بود و بعبارت دیگر پیامبر ص در قانون گذاری، هیچوقت مشورت نمی کرد و تنها در طرز اجرای قانون نظر مسلمانان را می خواست و لذا گاهی که پیامبر ص پیشنهادی را طرح می کرد مسلمانان نخست سؤال می کردند که آیا این حکم الهی است؟ و یک قانون است که قابل اظهار نظر نباشد و یا مربوط به چگونگی تطبیق قوانین می باشد اگر از قبیل دوم بود اظهار نظر می کردند و اگر از قبیل اول بود تسلیم می شدند. چنان که در جنگ بدر لشکر اسلام طبق فرمان پیغمبر ص می خواستند در نقطه ای اردو بزنند یکی از یاران بنام " حباب بن منذر " عرض کرد ای رسول خدا ص این محلی را که برای لشکرگاه انتخاب کرده اید طبق فرمان خدا است که تغییر آن جایز نباشد و یا صلاح دید خود شما می باشد. پیامبر ص فرمود: فرمان خاصی در آن نیست، عرض کرد: اینجا به این دلیل و آن دلیل جای مناسبی برای اردوگاه نیست دستور دهید لشکر از این محل حرکت کند و در نزدیکی آب برای خود محلی انتخاب نماید پیغمبر اکرم ص نظر او را پسندید و مطابق رأی او عمل کرد

۵- قرآن کریم در آیه ارث در سوره نساء، در مورد برادران لفظ جمع بکار برده است و می‌فرماید: «... فَإِنْ

كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمَّهِ أَلْسُدُسُ...» می‌دانیم که حداقل جمع، سه نفر است. در حالی که تمامی فقهای

اسلام معتقدند که دو برادر هم می‌توانند مانع و موجب تنزل ارث مادر شوند. پاسخ چیست؟

جواب این سؤال با مراجعه به آیات دیگر قرآن روشن می‌شود، و آن اینکه لازم نیست در همه جا لفظ جمع در سه نفر و بیشتر بکار رود بلکه در پارهای از موارد بر دو نفر هم اطلاق می‌شود مانند آیه ۷۸ سوره انبیاء: "وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ" (ما گواه حکم آنها بودیم). آیه مربوط به قضاوت "داود" و "سلیمان" است، و قرآن در باره این دو نفر ضمیر جمع (هم) بکار برده است، از اینجا روشن می‌شود که ممکن است گاهی لفظ جمع در دو نفر بکار رود، ولی البته این موضوع نیاز به شاهد و قرینه دارد و در آیه مورد بحث شاهد همان اتفاق مسلمانان و ورود دلیل از پیشوایان اسلام است، زیرا در این مسئله همه دانشمندان اسلام اعم از شیعه و سنی (به جز ابن عباس) دو برادر را مشمول حکم آیه دانسته‌اند.

۶- در عبارت «أَمْرٌ تَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» منظور از «ناس» چه کسانی

هستند؟ توضیح دهید.

منظور از "ناس" در «أَمْرٌ تَحْسُدُونَ النَّاسَ» پیامبر اسلام و خاندان او است، زیرا ناس به معنی جمعی از مردم است، و اطلاق آن بر یک نفر (تنها شخص پیامبر) ما دامی که قرینه‌ای در کار نباشد جایز نیست به علاوه کلمه آل ابراهیم (خاندان ابراهیم) قرینه دیگری است که منظور از ناس، پیامبر اسلام و خاندان او است، زیرا از قرینه مقابله، چنین استفاده می‌شود که ما اگر به خاندان بنی هاشم چنین موقعیتی را دادیم تعجب ندارد، زیرا به خاندان ابراهیم نیز بر اثر شایستگی، آن همه موقعیت معنوی و مادی بخشیدیم. در روایات متعددی که در منابع اهل تسنن و شیعه آمده است تصریح شده که منظور از "ناس" خاندان پیامبر ص می‌باشد. از امام باقر ع در ذیل این آیه چنین نقل شده است که فرمود: خداوند در خاندان ابراهیم پیامبران و انبیاء و پیشوایان قرار داد (سپس به یهود خطاب می‌کند) چگونه حاضرید در برابر آن اعتراف کنید، اما در باره آل محمد ص انکار می‌نمائید و در روایت دیگری از امام صادق ع می‌خوانیم که در باره این آیه سؤال کردند فرمود: نحن المحسودون : یعنی مائیم که در مورد حسد دشمنان قرار گرفته‌ایم. و در تفسیر در المنثور از ابن منذر، و طبرانی از ابن عباس، نقل شده است که در باره این آیه می‌گفت: منظور از "ناس" در این آیه مائیم نه دیگران. ۵

۷- در آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

» پاسخ به این شبهه که با توجه به کلمه «الَّذِينَ» که برای جمع است، قابل تطبیق بر یک فرد نیست،

چگونه بر یک شخص (حضرت علی(ع)) قابل تطبیق است؟ را بیان نمایید. تفسیر نمونه، ج ۴، ص: ۴۲۷

در ادبیات عرب مکرر دیده می‌شود که از مفرد به لفظ جمع، تعبیر آورده شده است از جمله در آیه مباحله می‌بینیم که کلمه "نساءنا" به صورت جمع آمده در صورتی که منظور از آن طبق شان نزولهای متعددی که وارد شده فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است، و همچنین "انفسنا" جمع است در صورتی که از مردان غیر از پیغمبر کسی جز علی (ع) در آن جریان نبود و در آیه ۱۷۲ سوره آل عمران در داستان جنگ احد می‌خوانیم. الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا. و همانطور که در تفسیر این آیه در جلد سوم ذکر کردیم بعضی از مفسران شان نزول آن را در باره نعیم بن مسعود که یک فرد

بیشتر نبود می‌دانند. و همچنین در آیه ۵۲ سوره مائده می‌خوانیم " يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ " در حالی که آیه در مورد عبد الله ابی وارد شده است که تفسیر آن گذشت و همچنین در آیه اول سوره ممتحنه و آیه ۸ سوره منافقون و ۲۱۵ و ۲۷۴ سوره بقره تعبیراتی دیده می‌شود که عموماً به صورت جمع است، ولی طبق آنچه در شان نزول آنها آمده منظور از آن یک فرد بوده است. این تعبیر یا بخاطر این است که اهمیت موقعیت آن فرد و نقش مؤثری که در این کار داشته روشن شود و یا بخاطر آن است که حکم در شکل کلی عرضه شود، اگر چه مصداق آن منحصر به یک فرد بوده باشد، در بسیاری از آیات قرآن ضمیر جمع به خداوند که احد و واحد است به عنوان تعظیم گفته شده است. البته انکار نمی‌توان کرد که استعمال لفظ جمع در مفرد به اصطلاح، خلاف ظاهر است و بدون قرینه جایز نیست، ولی با وجود آن همه روایاتی که در شان نزول آیه وارد شده است، قرینه روشنی بر چنین تفسیری خواهیم داشت، و حتی در موارد دیگر به کمتر از این قرینه نیز قناعت می‌شود.

۸- در عبارت «وَمَنْ يُؤْلِهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ

مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» دو صورت از مسئله فرار از جنگ استثناء شده است. آن‌ها

را توضیح دهید. تفسیر نمونه، ج ۷، ص: ۱۱۳

نخست صورتی است که از آن تعبیر به " مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ " شده " متحرف " از ماده " تحرف " به معنای کناره گیری از وسط به اطراف و کناره‌هاست، و منظور از این جمله این است که جنگ‌جویان به عنوان یک تاکتیک جنگی از برابر دشمن بگریزند و به کناری بروند که او را به دنبال خود بکشانند و ناگهان ضربه غافل‌گیرانه را بر پیکر او وارد سازند و یا به صورت جنگ و گریز دشمن را خسته کنند که جنگ‌گاهی حمله و گاهی عقب‌نشینی به عنوان حمله مجدد است و به قول عربها " الحرب کر و فر " شکل دوم آن است که جنگجویی خود را در میدان تنها بیند و برای پیوستن به گروه جنگجویان عقب‌نشینی کند و پس از پیوستن به آنها حمله را آغاز نماید. بهر حال دستور تحریم فرار از میدان نباید به شکل خشکی تفسیر شود که مانورها و تاکتیک‌های جنگی را از میان ببرد همان مانورهایی که سرچشمه بسیاری از پیروزیهاست.

۹- در عبارت «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ...» توضیح دهید اولاً

استفاده از «مِّنْ أَنْفُسِكُمْ» به جای «مِنْكُمْ» اشاره به چیست؟ ثانیاً چه سوء استفاده‌ای از «مِّنْ

أَنْفُسِكُمْ» توسط عده‌ای شده است؟

اینکه بجای " منکم " در این آیه " من انفسکم " آمده است اشاره به شدت ارتباط پیامبر ص با مردم است، گویی پاره‌ای از جان مردم و از روح جامعه در شکل پیامبر ص ظاهر شده است. به همین دلیل تمام دردهای آنها را می‌داند، از مشکلات آنان آگاه است، و در ناراحتیها و غمها و اندوهها با آنان شریک می‌باشد، و با این حال تصور نمی‌شود سخنی جز به نفع آنها بگوید و گامی جز در راه آنها بردارد، و این در واقع نخستین وصفی است که در آیه فوق برای پیامبر ص ذکر شده است. و عجب اینکه گروهی از مفسران که تحت تاثیر تعصبات نژادی و عربی بوده‌اند گفته‌اند مخاطب در این آیه نژاد عرب است! یعنی پیامبری از این نژاد، به سوی شما آمد! به عقیده ما این بدترین تفسیری است که برای آیه فوق ذکر کرده‌اند، زیرا می‌دانیم چیزی که در قرآن از آن سخنی نیست، مساله " نژاد " است، همه جا خطابات قرآن با " یا ایها الناس " و یا ایها الذین آمنوا " و امثال آنها شروع می‌شود، و در هیچ موردی " یا ایها العرب " و " یا قریش " و مانند آن وجود ندارد. به علاوه ذیل آیه که می‌گوید: " بِالْمُؤْمِنِينَ رَوْفٌ رَّحِيمٌ " به روشنی این تفسیر را نفی می‌کند، زیرا در آن سخن از همه مؤمنان است، از هر قوم و ملت و نژادی که باشند. جای تاسف است که بعضی از دانشمندان متعصب قرآن را از آن اوج جهانی و بشری فرود آورده، و می‌خواهند در محدوده‌های کوچک نژادی محصور کنند.

۱۰- در عبارت «قِيلَ يٰنُوحُ اٰهْبِطْ بِسَلْمٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ اٰمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ» منظور از «اُمَمٍ» چیست؟ توضیح دهید.

کلمه "امم" جمع "امت" است، و این تعبیر می‌رساند که همراه نوح امتیایی بودند، این عبارت ممکن است به خاطر آن باشد که افرادی که با نوح بودند هر یک سرچشمه پیدایش قبیله و امتی گشتند و یا اینکه واقعا آنها که با نوح بودند هر گروهی از قوم و قبیله‌ای بودند که مجموعا امتیایی تشکیل می‌دادند.

این احتمال نیز وجود دارد که "امم" اصناف حیوانی را که با نوح بودند نیز شامل گردد، زیرا در قرآن مجید کلمه "امت" بر آنها نیز اطلاق شده است، چنان که در سوره انعام آیه ۳۸ می‌خوانیم: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْاَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ اِلَّا اَمَمٌ اَمْثَالَكُمْ» هیچ جنبنده‌ای در روی زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند وجود ندارد مگر اینکه آنها نیز امتیایی مثل شما هستند»

۱۱- در آیه «قَالَ يٰبُشَيْرِ هٰذَا غُلْمٌ وَّاسْرُوهُ بِضَعَّةٍ» احتمالاتی را که در رابطه با معنای «اَسْرُوهُ»

بِضَعَّةٍ» عنوان شده است را بیان نمایید. کدام احتمال مناسب‌تر است؟ چرا؟

گروهی از کاروانیان از این امر آگاه شدند ولی برای اینکه دیگران با خبر نشوند و خودشان بتوانند این کودک زیبا را به عنوان یک غلام در مصر بفروشند، "این امر را بعنوان یک سرمایه نفیس از دیگران مخفی داشتند" (وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةً). البته در تفسیر این جمله احتمالات دیگری نیز داده شده از جمله اینکه یابندگان یوسف، یافتن او را در چاه، مخفی داشتند و گفتند این متاعی است که صاحبان این چاه در اختیار ما گذاشته‌اند تا برای او در مصر بفروشیم. دیگر اینکه بعضی از برادران یوسف که برای خبر گرفتن از او و یا رسانیدن غذا به او گاه و بیگاه به کنار چاه می‌آمدند هنگامی که از جریان با خبر شدند، برادری یوسف را کتمان کردند، تنها گفتند او غلام ما است، که فرار کرده و در اینجا پنهان شده، و یوسف را تهدید به مرگ کردند که اگر پرده از روی کار ولی تفسیر نخست از همه نزدیکتر به نظر می‌رسد

۱۲- در آیه «فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ» نظر قرطبی و فرید وجدی و

معنای جامع درباره عبارت «وَحَاقَ بِهِمْ» را بیان نمایید. همچنین بنویسید جمله «فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا»

«بیانگر کدام مطلب است؟»

جمله "حاق بهم" به معنی "وارد شد بر آنها" می‌باشد، اما بعضی مانند قرطبی در ذیل آیه مورد بحث، و فرید و جدی در تفسیرش به معنی احاطه کردن گرفته‌اند، و می‌توان معنی جامعی برای آن ذکر کرد که هم وارد شدن را بگیرد و هم احاطه کردن را. و به هر حال تعبیر آیه فوق که می‌گوید "سیئات اعمالشان به آنها رسید" باز این واقعیت را تاکید می‌کند که این اعمال انسان است که دامان او را در این جهان و آن جهان می‌گیرد و در چهره‌های مختلف تجسم می‌یابد و او را رنج و آزار و شکنجه می‌دهد نه چیز دیگر.

۱۳- در عبارت «وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ» در خصوص معنای اصلی، کاربرد قرآنی و معنای کلمه

«طَائِر» را شرح دهید. همچنین بنویسید «تَطِير» به چه معناست و در احادیث اسلامی چه موضعی نسبت به آن

اتخاذ شده است؟

" طائر " به معنی پرنده است، ولی در اینجا اشاره به چیزی است که در میان عرب معمول بوده که به وسیله پرندگان، فال نیک و بد می‌زدند، و از چگونگی حرکت آنها نتیجه‌گیری می‌کردند. مثلاً اگر پرنده‌ای از طرف راست آنها حرکت می‌کرد آن را به فال نیک می‌گرفتند، و اگر از طرف چپ حرکت می‌کرد آن را به فال بد می‌گرفتند. لذا غالباً این کلمه به معنی فال بد زدن به کار می‌رود، در حالی که " نفال " بیشتر به فال نیک زدن گفته می‌شود. در آیات قرآن نیز کراراً " تطیر " به معنی فال بد آمده است مانند: «وَإِنْ تُصِيبْهُمْ سَيْئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ» هر گاه ناراحتی به فرعونیان می‌رسید آن را از شوم بودن وجود موسی و همراهانش می‌دانستند! (اعراف - ۱۳۱) و در سوره نمل آیه ۴۷ می‌خوانیم: «قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ: مشرکان قوم صالح ع به این پیامبر بزرگ " گفتند ما تو و یارانت را شوم می‌دانیم و به فال بد می‌گیریم! " در احادیث اسلامی می‌خوانیم که از " تطیر " نهی شده است، و راه مبارزه با آن " توکل بر خدا " معرفی گردیده است. به هر حال، " طائر " در آیه مورد بحث، نیز اشاره به همین معنی است، یا به معنی " بخت و طالع " که قریب الافق با مساله فال نیک و بد است می‌باشد.

۱۴- در عبارت «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبِّا لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ

تُرِيدُونَ وَجَهَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» منظور از «ربا» چیست؟ توضیح دهید.

نخستین تفسیر که از همه روشنتر و با مفهوم آیه سازگارتر، و هماهنگ با روایاتی است که از اهل بیت ع رسیده، این است که منظور هدایایی است که بعضی از افراد برای دیگران - مخصوصاً صاحبان مال و ثروت - می‌برند، به این منظور که پاداشی بیشتر و بهتر از آنها دریافت دارند. بدیهی است در این گونه هدایا نه استحقاق طرف در نظر گرفته می‌شود، و نه شایستگیها و اولویتهای، بلکه تمام توجه به این است که این هدیه به جایی داده شود که بتواند مبلغ بیشتری را صید کند، و طبیعی است اینچنین هدایا که جنبه اخلاص در آن نیست از نظر اخلاقی و معنوی فاقد ارزش می‌باشد. بنا بر این مراد از ربا، در این آیه همان " هدیه و عطیه " است و منظور از جمله " لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ " گرفتن پاداش بیشتر از مردم است. بدون شک گرفتن چنین پاداشی حرام نیست، چون شرط و قراردادی در کار نبوده، ولی فاقد ارزش معنوی و اخلاقی است، و لذا در روایات متعددی که از امام صادق ع در منابع معروف حدیث آمده است از آن به " ربای حلال " تعبیر شده است، در مقابل " ربای حرام " که در آن شرط و قراردادی گذارده می‌شود. در حدیثی که در کتاب " تهذیب الاحکام " از امام صادق ع در تفسیر آیه فوق نقل شده چنین می‌خوانیم: «هو هديتك الى الرجل تطلب منه الثواب افضل منها فذلك ربي يوكل: منظور هدیه‌ای است که به دیگری می‌پردازی و هدف این است که بیشتر از آن پاداش دهد این ربای حلال است»

۱۵- در آیه «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ»، «شُغُلٍ» در لغت به چه معناست؟ همچنین

بنویسید با توجه به این که بلافاصله بعد از کلمه «شُغُلٍ» واژه «فَاكِهُونَ» بکار رفته، اشاره به چیست؟

شغل " (بر وزن شتر) و " شغل " (بر وزن قفل) هر دو به معنی حوادث و حالاتی است که برای انسان روی می‌دهد و او را به خود مشغول می‌دارد خواه مسرت‌بخش باشد و یا غم‌انگیز. اما از آنجا که بلافاصله پشت سر آن، کلمه " فاکهون " آورده شده و این واژه جمع " فاکه " به معنی مسرور و خوشحال و خندان است، می‌تواند اشاره به اموری باشد که از فرط شادی انسان را چنان به خود مشغول می‌دارد که از امور نگرانی‌زا به کلی غافل می‌سازد، به طوری غرق در سرور و نشاط خواهد شد که غم و اندوهی بر او چیره نخواهد گشت، و حتی هول و وحشتی را که به هنگام قیام قیامت و حضور در دادگاه عدل الهی به او دست داده به فراموشی می‌سپارد، که اگر به راستی فراموش نشود همواره سایه نگرانی و غم بر دل او سنگینی خواهد کرد، بنا بر این یکی از آثار این اشتغال ذهن فراموش کردن احوال محشر است.

۱۶- با توجه به عبارت «وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ» پاسخ دهید منظور از «دریا» چیست؟

معنای «رَهْوًا» کدام است؟ و چرا چنین دستوری به موسی (ع) داده شد؟ تفسیر نمونه ج ۲۱ ۱۷۵

منظور از دریا در این آیات همان رود عظیم نیل است. مفسران و ارباب لغت برای " رهو " (بر وزن سهو) دو معنی ذکر کرده‌اند:

" آرام بودن " و " گشاده و باز بودن " و جمع هر دو معنی در اینجا نیز بی‌مانع است.

اما چرا چنین دستوری به موسی ع داده شد؟ طبیعی است که موسی ع و بنی اسرائیل مایل بودند هنگامی که خود از دریا گذشتند بار دیگر آنها سر بر سر هم بگذارند و این فاصله عظیم را پر کنند، تا آنها با سرعت و به سلامت دور شوند و به سرزمین موعود روی آورند، ولی به آنها دستور داده شد که به هنگام گذشتن از دریای نیل عجله نکنید، بگذارید فرعون و لشکریانش تا آخرین نفر وارد شوند، چرا که فرمان مرگ و نابودی آنها به امواج خروشان نیل داده شده است! لذا در پایان آیه می‌افزاید: " آنها لشکری هستند که غرق خواهند شد.

۱۷- در خصوص معنای «نَجْم» در آیه «وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ» توضیح دهید. تفسیر نمونه ج ۲۳- ۱۰۳

نجم " گاه به معنی ستاره می‌آید، و گاه به معنی گیاهان بدون ساقه و در اینجا به قرینه " شجر " (درخت) منظور معنی دوم یعنی گیاهان بدون ساقه است

اصولاً این واژه در اصل به معنی طلوع است، و اگر به این گیاهان " نجم " می‌گویند به خاطر آن است که از زمین سر بر می‌آورند، و اگر به ستاره " نجم " گفته می‌شود نیز به خاطر طلوع آن است.

می‌دانیم تمام مواد غذایی انسانها در اصل از گیاهان گرفته می‌شود، با این تفاوت که قسمتی را انسان مستقیماً مصرف می‌کند، و قسمت دیگری صرف تغذیه حیواناتی می‌شود که جزء مواد غذایی انسانها است، این معنی حتی در مورد حیوانات دریایی نیز صادق است، زیرا آنها نیز از گیاهان بسیار کوچکی تغذیه می‌کنند که میلیونها میلیون از آن در هر گوشه و کنار دریا در پرتو نور آفتاب می‌روید و در لابلای امواج در حرکت است. به این ترتیب " نجم " انواع گیاهان کوچک و خزنده (مانند بونه کدو خیار و امثال آنها) و " شجر " و انواع گیاهان ساقه‌دار مانند غلات و درختان میوه و غیر آن را شامل می‌شود.

۱۸- در خصوص معنای «وَهَج» در آیه «وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا» و این که چرا این وصف برای خورشید ذکر

شده، توضیح دهید. تفسیر نمونه ج ۲۶ ص ۲۴

وهاج " از ماده " وهج " (بر وزن کرج) به معنی نور و حرارتی است که از آتش صادر می‌شود گنا بر این ذکر این وصف برای این چراغ پر فروغ آسمانی اشاره‌ای به دو نعمت بزرگ است که خمیر مایه همه مواهب مادی این جهان است " نور " و " حرارت ".

نور خورشید نه تنها صحنه زندگی انسان و تمام منظومه شمسی را روشن می‌سازد، بلکه تاثیر عمیقی در پرورش موجودات زنده دارد. حرارت آن نیز علاوه بر تاثیری که در حیات انسان و حیوان و گیاه به طور مستقیم دارد، منبع اصلی وجود ابرها، و وزش باده‌ها، و نزول بارانها و آبیاری سرزمینهای خشک است. خورشید به خاطر اشعه مخصوص " ما وراء بنفش " تاثیر فراوانی در کشتن میکروبها دارد، که اگر نبود کره زمین به بیمارستان عظیمی تبدیل می‌شد، و چه بسا در مدت کوتاهی نسل موجودات زنده از میان می‌رفت. خورشید نوری سالم و مجانی و دائمی و از فاصله‌ای مناسب، نه چندان گرم و سوزان، و نه سرد و بی‌روح، در اختیار همه ما می‌گذارد. اگر قیمت انرژی حاصل از خورشید را با قیمت منابع دیگر انرژی محاسبه کنیم عدد بسیار عظیمی را تشکیل می‌دهد، و اگر فرضاً بخواهیم درخت سیبی را با نور و انرژی مصنوعی پرورش دهیم قیمت هر دانه سیب سرسام‌آور خواهد بود، آری این " سراج وهاج " عالم آفرینش همه اینها را رایگان در اختیار ما می‌گذارد. جرم خورشید که حدود " یک میلیون و سیصد هزار " برابر کره زمین است و فاصله آن حدود " یکصد و پنجاه میلیون " کیلومتر می‌باشد، و حرارت برونی سطح خورشید که بالغ بر شش هزار درجه سانتیگراد، و حرارت درونی آن که در حدود بیست میلیون درجه! تخمین زده شده است، همه آن چنان حساب شده است که اگر کمی کمتر یا بیشتر می‌بود، عرصه زندگی را بر اهل زمین تنگ می‌کرد و ادامه حیات را غیر ممکن می‌ساخت.

۱۹- احتمالاتی را که مفسران در رابطه با معنای آیه «وَالِی رِبِّكَ فَارْغَب» ذکر کرده‌اند، بنویسید. تفسیر

نمونه ج ۲۷ ص ۱۲۹

غالب مفسران معانی محدودی برای آیه ذکر کرده‌اند که می‌توان هر یک از آنها را به عنوان مصداقی پذیرفت: جمعی گفته‌اند منظور این است هنگامی که از نماز واجب فراغت یافتی به دعا پرداز و از خدا تمنا کن تا هر چه می‌خواهی به تو بدهد. یا اینکه هنگامی که از فرائض فارغ شدی برای نافله شب برخیز. یا اینکه هنگامی که از دنیا فارغ شدی به امور آخرت و عبادت و نماز پروردگارت پرداز. یا اینکه هنگامی که از واجبات فراغت پیدا کردی به مستحباتی که خدا دستور داده توجه کن. یا اینکه هنگامی که از جهاد با دشمن فارغ شدی به عبادت برخیز. یا اینکه هنگامی که از جهاد با دشمن فارغ شدی به جهاد نفس پرداز. یا اینکه هنگامی که از ادای رسالت فارغ شدی به تقاضای شفاعت برخیز! در روایات متعددی که دانشمند معروف اهل سنت حافظ " حاکم حسکانی " در " شواهد التنزیل " نقل کرده از امام صادق چنین آمده است که فرمود: یعنی " هنگامی که فراغت یافتی علی را به ولایت نصب کن. قرطبی نیز در تفسیر خود از بعضی نقل کرده است که معنای آیه این است " هنگامی که فراغت یافتی امامی را که جانشین تو است نصب کن " (هر چند نامبرده خودش این معنی را نپذیرفته است)

۲۰- در رابطه با معنای «عَاسِقٍ» در آیه «وَمِنْ شَرِّ عَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ» توضیح دهید. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص: ۴۶۰

"عاسق" از ماده " غسق " (بر وزن شفق) به گفته " راغب " در " مفردات " به معنی شدت ظلمت شب است که در همان نیمه شب حاصل می‌شود، و لذا قرآن مجید به هنگام اشاره به پایان وقت نماز مغرب می‌فرماید: **إِلَى غَسَقٍ**

اللَّیْلِ، و اینکه در بعضی از کتب لغت " غسق " به معنی تاریکی آغاز شب تفسیر شده، بعید به نظر می‌رسد، بخصوص اینکه ریشه اصلی این لغت به معنی امتلاء (پر شدن) و سیلان است، و مسلماً تاریکی شب هنگامی پر و لبریز می‌شود که به نیمه رسد، یکی از مفاهیمی که لازمه این معنی است هجوم و حمله‌ور گشتن است، لذا در این معنی نیز استعمال شده.

بنا بر این معنی " غاسق " در آیه مورد بحث یا " فرد مهاجم " است، یا هر " موجود شرور " که از تاریکی شب برای حمله کردن استفاده می‌کند، زیرا نه فقط حیوانات درنده و گزنده شب هنگام از لانه‌ها بیرون می‌آیند و زیان می‌رسانند، بلکه افراد شرور و ناپاک و پلید نیز غالباً از تاریکی شب برای مقاصد سوء خود استفاده می‌کنند.